

واکاوی دیوان جیش در قرن اول هجری

دکتر حمیدرضا صفاکیش

عضو هیات علمی، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران

Dr.h.safakish@gmail.com

امیراحمد مؤمنی ها

دانشجوی دکتری تاریخ و تمدن ملل اسلامی، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران

Amirahmadmomeniha@gmail.com

چکیده

شناخت فرهنگ و تمدن اسلامی نیازمند آشنایی با نهادهای تشکیل دهنده، و وظایف هر کدام از آنها است. تاریخ تشکیلات بخش اصلی تاریخ اجتماعی و سیاسی، و از مهمترین نشانه های حیات اجتماعی و سیاسی و پیشرفت ملت ها است. مسلمانان در اداره تحولات اقتصادی، سیاسی، اجتماعی، دینی و نظامی از ساختارهایی مانند دیوان ها، سازمان ها، ادارات، نهادها، مناصب و مشاغل استفاده نمودند، که اصطلاحاً به آن تشکیلات اسلامی اطلاق می گردد. یکی از اولین دیوان ها که شکل ساده آن در عصر پیامبر اکرم(ص) تاسیس شد، دیوان جند یا دیوان جیش نام داشت که در زمان خلیفه دوم، تغییراتی به آن اضافه گردید و در عصر اموی، وظایف این دیوان توسعه پیدا کرد. هدف از این مطالعه بررسی چگونگی تشکیل و وظایف دیوان مذکور، تکوین و تطور تاریخی آن در قرن اول هجری می باشد. در این مطالعه به منظور دستیابی به هدف فوق، جستجویی نظام مند از متون مختلف نظیر کتب، مقالات و سایر منابع انجام شده است. با تشکیل حکومت اسلامی در مدینه اولین نهاد تمدن اسلامی نیز شکل گرفت. این دولت نوپا که بطور مستقیم توسط پیامبر اکرم (ص) پایه گذاری و رهبری شد، بیشتر به یک دولت شهر ابتدایی شبیه بود، چراکه هنوز سازمانهایی برای اداره امور تشکیل نشده بود. البته ایجاد کلیه نهادهای حکومتی ادوار بعدی، ریشه در این مرحله داشت. توجه به میراث تاریخی تشکیلات اسلامی، باعث یادآوری نحوه مدیریت و اداره امور جامعه در دوران شکوفایی فرهنگ و تمدن اسلامی خواهد شد.

واژگان کلیدی: تشکیلات حکومتی، دیوان جند، دیوان جیش، سازمان نظامی

مقدمه

با گسترش سرزمین‌های اسلامی، و پس از تصرف سرزمین‌هایی مانند ایران و روم، مسلمانان با نظام اداری این حکومت‌ها آشنا شدند و از نظام دیوانسالاری این حکومت‌ها، به ویژه حکومت ساسانیان الگو گرفتند. نیازهای جدید، سبب تکمیل و ایجاد نهادهایی مطابق با الزامات آن زمان گردید. مسلمانان، علاوه بر استفاده از تجربیات نظامی پیش از اسلام، با نیروی ایمان و با کمترین وسایل نظامی، در کمتر از یک قرن سرزمین‌های بسیاری را فتح کردند. به همین جهت بعضی از خاورشناسان مغرض، گسترش اسلام را پدیده‌ای صرفاً نظامی جلوه داده و حضرت محمد (ص) را نیز چهره‌ای نظامی معرفی کرده‌اند. لیکن عظمت پیام قرآن و فرهنگ اسلام، که مسلمانان در مبارزاتشان تنها هدف خود را ترویج آن اعلام کرده‌اند، به قدری بزرگ بود که پیشرفت‌های نظامی در کنار آن بسیار کوچک دیده می‌شد. پس از آنکه پیامبر اکرم (ص) مأمور جنگ با مشرکان شد، مسلمانان را برای نبرد فرا خواند. آنان، بدون هیچ اجباری و فقط برای پاسخ به ندای پیامبر اکرم (ص) و بهره‌مندی از پاداش اخروی و درک فضیلت جهاد و شهادت در میدان جنگ حضور یافتند. از آن زمان تا عصر خلیفه دوم، که آغاز فتوح و جنگ‌های خارج از جزیره العرب است، کسی برای حضور در میدان نبرد مجبور نشد. تحقیق در مورد تشکیلات نظامی صدر اسلام یکی از مهمترین مظاهر فرهنگ و تمدن اسلامی است. این تشکیلات با نام‌های دیوان جند، دیوان جیش و دیوان سپاه در متون اسلامی آورده شده‌اند. دیوان جند از شکل ساده آن که در مدینه تشکیل شد به سازمان نظامی گسترده‌ای تبدیل گشت که ده‌ها دفتر و اداره مختلف، و هزاران نفر در آن مشغول به کار شدند. در این مطالعه سعی شده ضمن بررسی مراحل تکوین دیوان جند از شکل ابتدایی تا یکی از مهمترین ساختارهای تشکیلاتی حکومت اسلامی، نحوه جمع‌آوری جنگجویان، ثبت اسامی و محاسبه دقیق تعداد نیروها، تعیین عطایا و مواجب مورد بحث قرار گیرد.

تشکیلات اداری در جزیره العرب پیش از اسلام

نخستین اقدامات مدنی حجاز در قالب نظام اداری، مقارن سال ۶۰۰ میلادی، توسط قصی بن کلاب، از اجداد رسول اکرم، صورت گرفت. (طبری، ج ۱، ص ۵۰۶) وی قبایل پراکنده را متحد کرد و زندگی شهری جدیدی را سامان داد. او مشاغل سقایت، حجابت، سدان و لواء را تاسیس کرد و دارالندوه را بنا نهاد که مانند دیوان مرکزی، محل طرح دعاوی بود و وجود آن محور نوعی

نظم در مکه می گردید. (یعقوبی، ج ۱، ص ۲۳۹، ۲۴۰) برخی از مهمترین تشکیلات عرب پیش از اسلام عبارت بودند از: دربانی و پرده داری کعبه، آب دادن حجاج، رفاده یا مهمانداری، پرچم داری و لواء، دارالندوه، سرداری (قیاده) و عبر، اشناق یا موسسه پرداخت دیه و غرامت، قبه یا اسلحه خانه، اعنه، سفارت، ایسار، دادرسی و قضا، اموال مصادره شده، نگهبانی مسجد الحرام، (ر.ک به یعقوبی، ج ۱، صفحات ۲۳۸ و ۲۳۹؛ علی، ج ۵، صفحه ۲۳۹) که در این میان وظایف تشکیلات پرچم داری یا لواء، سرداری و عبر، قبه یا اسلحه خانه بیشتر به موضوع بحث ارتباط دارد.

اصالت ایرانی دیوان در تشکیلات اسلامی

برخی از پژوهشگران، ریشه تشکیلات عربی - اسلامی را در قالب و محتوا به ایران رسانده اند (محمدی، تاریخ، ص ۶۴) و آنرا جلوه توسعه و استمرار نظام دیوان سالاری ایرانی دانسته اند. (ابن طقطقی، ص ۳۴؛ یعقوبی، ج ۱، ص ۱۶۵) یکی از جمله عناصر تشکیلات اداری دیوان بود، که کلمه ای پهلوی و مترادف اداره می باشد. در منابع عربی، مفهوم ایرانی واژه دیوان، یکی از نام های شیاطین است، که به وسیله کسرا به دلیل سرعت و مهارت کاتبان و دامنه آگاهی آنان بر انواع امور، به محل جلوس و دفتر کار آنها گفته می شد. (ابن الفراء، ۲۳۷؛ مقدمه ابن خلدون، ص ۴۳۱؛ مقریزی، خطط، ج ۱، ص ۲۶۲) واژه دیوان در زبان فارسی به معنی دفتر است و بطور مجاز، بر مکانی که دفاتر در آن نگه داری می شد اطلاق شده است. ماوردی نیز وجه تسمیه دیوان را آورده است. (ماوردی، ص ۲۴۹) مورخین، قدمت کاربرد کلمه دیوان در معنی اداره و تنظیم امور را به خشایار شاه و داریوش بزرگ (۴۸۰-۵۲۱ ق) می رسانند (مسعودی، التنبیه، ص ۷۸؛ یعقوبی، ج ۱، ص ۱۶۵) در منابع عربی، بعضی دیوان های عصر کیانیان، از لهراسب شاه کیانی به عنوان نخستین بنیانگذار دیوان سپاه نام برده اند.

تأسیس دولت و حکومت پیامبر

اسلام، جهان را نظامی قانونمند و هدفمند می داند و انسان را نیز جزئی از این نظام هستی تلقی می کند. بر اساس این دیدگاه، حکومت ابزاری برای حرکت تکاملی انسان تلقی می شود؛ تشکیل حکومت و تاسیس دولت، ریشه در مبانی نظری دین مبین اسلام دارد. ابن سینا بر نقش سیاسی انبیا در تاسیس حکومت و اداره امور مردم تأکید دارد؛ چراکه فقط پیامبران می توانند بین

مردم الفت ایجاد کنند و وجود انبیای قانون گذار دارای غایت طبیعی است. (ابن سینا، ص ۱۲۷) رفتارهای سیاسی و اجتماعی پیامبر اکرم (ص) در زمان ورود به مدینه مبین شخصیت اداری ایشان می باشد. با تشکیل حکومت در مدینه، پیامبر شکل جدیدی از موسسات سیاسی - اجتماعی مغایر با ارزش های عرب دوره جاهلیت به وجود آورد. ایشان سرشماری مردم مسلمان مدینه را نخستین اقدام اداری تشکیلاتی خویش در مدینه قرار داد و فرمود: " نام هر کس که اسلام بر زبان می آورد برای من بنویسید." (کتانی، ص ۱۰۸) و در روز حجه الوداع به رؤس کلی سیاست اداری و تشکیلات نوین اسلامی اشاره فرموده، سنن جاهلیت را مردود دانست. بازنگری در عناصر تشکیلات اسلامی بر اساس روایات موجود در سیره نبوی، به ترسیم نموداری از تشکیلات یک دولت سازمان یافته منجر می شود که پس از ایشان هم در عرصه های مختلف مالی، قضایی، سیاسی و نظامی مشهود است.

امور انتظامی و نظامی در تشکیلات حکومتی عصر پیامبر

یکی از بزرگ ترین دغدغه های بشری در جهان، از آغاز آفرینش، امنیت بوده است. پیامبر اکرم (ص) برای ایجاد امنیت در فضای آشفته ی مدینه، میبایست اقدامات امنیتی و تأمینی انجام دهند. رسول اکرم (ص) شبی در ابتدای ورود به مدینه رو به اصحاب خود فرمود: " ای کاش مردی ما را حراست می نمود." ایشان با تعیین افرادی در صدد تأمین امنیت بودند. (کتانی، ص ۱۴۲) یکی از بخش های مهم و قابل توجه حکومت پیامبر اکرم (ص) در مدینه جنگ ها - غزوات و سریه های - است که در زمان حیات ایشان به وقوع پیوست. در خصوص آرایش سپاه و سلاح و رفتارهای نظامی و پرچم پیامبر اکرم (ص) و به طور کلی تشریفات نظامی، موارد زیادی در منابع آمده است. (کتانی، ص ۱۵۷) دولت مدینه و تشکیلات اداری آن نشان داد که هدف پیامبر اکرم (ص) تشکیل ملتی تازه از مسلمانان بود و اسلام توجه زیادی به مسئله قدرت نظامی و اقتدار سیاسی در کنار مسائل اخلاقی داشت. در فرهنگ اسلامی، خطوط اصلی جنگ و دفاع و مشروعیت آن، بر فراهم ساختن زمینه امنیت جامعه اسلامی در برابر تجاوزات و فتنه های کفار است که این جهاد باید با کمترین خونریزی باشد. (انفال، آیه ۶۱) پیامبر اکرم (ص) مجاهدان مسلمان را پیش از حرکت به سوی جنگ با توصیه های سازنده ارشاد می نمود. ایشان توجه خاصی به بسیج داوطلبانه همگانی و آمادگی دایم مسلمانان برای جنگ نشان می داد و آنها را بر اساس منطق قرآن (انفال، آیه ۶۰) به پرورش استعداد جنگی تشویق می کرد. پیامبر اکرم (ص)

مسلمانان را به آموزش های نظامی مانند سوارکاری و تیر اندازی تشویق نموده و در احادیثی ، آئینه شکوهمند نظامی آنان را بشارت می داد. (صبحی صالح، ص ۵۰۵)

بسیج نیروها در عصر پیامبر و پس از آن

یکی از لوازم و ارکان های حیاتی هر جنگ، تأمین نیرو و بسیج نیروی انسانی است که از دیرباز مورد توجه همه جوامع و ملل بوده است. در میان اعراب در عصر جاهلیت، مسأله بسیج عمدتاً به صورت خودجوش و داوطلبانه انجام می شده و همه افراد یک قبیله، همواره برای دفاع از کیان و شرف خویش، آماده بودند. هنگام ظهور اسلام و تشکیل حکومت پیامبر اسلام (ص) در مدینه، قوام و دوام حکومت نوپای اسلام، مستلزم برخورداری از یک نیروی انسانی برای مقابله با تهدیدها و دفع تجاوزات بود. بسیج نیروها در ابتدا به صورتی داوطلبانه و برای کسب فیض و ثواب شرکت در جهاد، و از روی میل و رغبت (مطوعه) به طور جزئی و عمومی انجام می شد. اما در عصر فتوح و پس از رحلت پیامبر اسلام (ص) به علت توسعه مرزها و گسترش فتوحات، تأمین نیروی انسانی، صرفاً نمی توانست به نیروهای داوطلب و به نوع مطوعه محدود باشد، لذا قوانین و مقرراتی وضع شد تا بخشی از مردم به هنگام جنگ، به سپاه بپیوندند، و برخی نیز به عنوان نیروی ثابت نظامی در خدمت حکومت قرار گیرند. اجبار و الزام مسلمانان برای حضور در جنگ نیز، که از آنان در متون تاریخی به عنوان مرتزقه یا اهل دیوان یاد شده است، در کنار نیروهای مطوعه پدید آمدند تا حکومت بتواند نیروی انسانی مورد نیاز را برای جنگ فراهم کند. در ابتدای عصر اموی، بسیج نیرو به صورت اجباری انجام می گرفت و بازماندگان از آن، به شدت مجازات می شدند.

تأسیس سازمان نظامی مالی عطاء هسته اولیه دیوان جند

جمع آوری و آموزش نیروها برای جنگ با دشمن، سابقه ای طولانی در بین اعراب داشت و با ظهور اسلام، برای دفاع و انتشار آن، اهمیت بیشتری پیدا کرد. هنگامی که پیامبر اسلام (ص) در مدینه، امکان تشکیل حکومت پیدا کرد، و از آنجاییکه خطرهای خارجی، بنیانهای این حکومت را با تهدید روبرو می کرد، ضرورت تشکیل و سازماندهی یک نیروی نظامی از سوی رسول خدا (ص) محرز شد. این امر به ویژه پس از نزول آیه " اذن للذین یقاتلون بانهم ظلموا و ان الله علی نصرهم لقدیر " (حج، ۳۹) ضرورت حتمی یافت. آیات فراوان دیگری مبتنی بر جنگ و

جهاد با مشرکات نازل شد که پیامبر(ص) باید برای انجام آن، به بسیج نیرو می‌پراخت. (انفال، ۶۵؛ بقره، ۲۱۶؛ نساء، ۷۴؛ توبه، ۱۱۱) همچنین آیات فراوان دیگری نازل شد که مسلمانان را به دفع فتنه، جهاد برای اعتلای اسلام و کلمه حق و نیز از بین بردن فساد، ظلم، شرک و کفر ترغیب می‌کرد. (انفال، ۷۴؛ صف، ۱۰ و ۱۱ و ۱۹؛ توبه، ۳۸ و ۵۲ و ۴۱ و ۳۹ و ۱۲۰؛ نساء، ۶۹ و ۱۰۴؛ آل عمران، ۱۶۹) فتوحات آغازین، غنایم زیادی به همراه داشت، به همین سبب مسلمانان دیوانی تاسیس نمودند که کار آن تقسیم غنایم و پرداخت حقوق و توشه مبارزان بود و آنرا دیوان عطا نامیدند. این دیوان هسته اولیه دیوان جند و دیوان جیش بوده (ابن مسکویه، ج ۳، ص ۳۹۱) و نخستین اداره و دیوانی است که مسلمانان تاسیس کردند. (ابویوسف، ص ۲۴؛ ابو عبید، ص ۵۲۳) تشکیلات نظامی پس از پیامبر اکرم (ص) توسعه طبیعی تشکیلات پیش از اسلام بود، آمادگی جنگ و شیوه های جنگی، سیر طبیعی تکامل خود را از دوره جاهلیت تا دوره اموی پشت سر گذاشت. (المعاصیدی، ص ۱۳۲) دیوان عطا، دفاتر و ادارات مختلفی داشت: مجلس "خزانه السلاح فی بیت المال"، مجلس "الجاری فی دیوان النفقات"، و مجلس "الانزال فی دیوان النفقات" از مجموعه های تحت نظر دیوان عطا یا جند بود. (صابی، ص ۲۳) دیوان جیش با دیوان نفقات و دیوان عرض ارتباط تنگاتنگی با هم داشتند. دیوان عطا با افزایش نیروهای نظامی دارای دفاتر اجرایی بسیاری شد؛ که کار اصلی آنها تامین مالی ارتش بود. آنها در دیوان جیش در بخش اداره کار، حقوق سپاهیان را تنظیم و پرداخت می کردند از این گروه با عنوان "مجلس المقابله" و "مجلس التقرير" نیز یاد شده است. (ماوردی، ص ۴۴؛ قدامه، ج ۱، ص ۱۶۵).

دیوان جند و ایجاد نیروی نظامی دائم در اسلام

پس از اندک موفقیت‌هایی که سپاه مسلمانان در شام، در زمان خلافت ابو بکر و در عصر خلیفه‌ی دوم به دست آورد، گسترش و وسعت مناطق عملیاتی و کمبود نیروی انسانی جنگ جوی داوطلب یا «مطوعه»، خلیفه را بر آن داشت تا برای تأمین نیروی رزم، به سربازگیری اجباری دست زند. او ناچار شد برای بسیج نیروی بیشتر و گسترش فتوحات، به بهره‌گیری از نیروهای حرفه‌ای، که بعدها به «مرتزقه» موسوم شدند، روی آورد. این نیروها، براساس دستور خلیفه، نباید جز جنگ دغدغه‌ی معیشتی دیگری می‌داشتند. آنان به کشاورزی و تجارب نمی‌پرداختند و همواره آماده‌ی حضور در مناطق عملیاتی بودند. این کار مستلزم داشتن دیوان و دفتر مشخصی بود تا اسامی و میزان مقرری و زمان حضور جنگ‌جویان را در مناطق جنگی و شهرها مشخص کند. لذا

، خلیفه‌ی دوم با اقتباس از رومیان و یا به روایتی از ایرانیان، به تأسیس دیوان دست زد. این دیوان بعدها به دیوان الجند معروف شد. خلیفه دستور داده بود در هر یک از شهرها دیوانی که تابع دیوان مرکزی مدینه است، تأسیس کنند و در آن شهرها نیروهای مرتزقه و کسانی که می‌خواستند به عنوان نیروی ثابت به عضویت سپاه درآیند، در آن ثبت نام کنند. در این دفاتر، اسامی مبارزان و اوصاف آنها و نسبت و میزان حقوق آنها به شکل دقیقی ثبت شد. (صبحی صالح، ص ۳۱۵) ثبت نام در دیوان، برحسب نام فرد، نام قبیله و محل سکونت صورت می‌پذیرفت. هم‌چنین میزان حضور در جبهه‌های عملیاتی، میزان مرخصی و حضور در میان خانواده و در نهایت، میزان مقرری سالیانه مشخص می‌شد. (ماوردی، الاحکام السلطانیة و الولايات الدینیة ص ۲۰۴) بر این اساس، به‌طور منظم مشخص می‌شد که یک جنگ‌جو، ساکن کدام منطقه و از کدام قبیله است، چه مدت در منطقه‌ی جنگی بوده و چه مدتی باید در پشت جبهه باشد و در کل، چه قدر مقرری دریافت کرده است. این تدبیر خلیفه‌ی دوم با مشورت هرمزان ایرانی انجام شد و آن هنگامی بود که خلیفه بعوث و گروه‌های جنگی را به منطقه‌ی نبرد می‌فرستاد. هرمزان به او گفت «بهتر است دیوانی تشکیل دهی و اسامی جنگ‌جویان را در آن ثبت کنی تا فرماندهانشان بهتر بدانند چه نیرویی از جنگ سرباز می‌زند و چه نیرویی در خدمت حاضر می‌شود». (ماوردی، ص ۱۹۸) این کار خلیفه باعث شد تا بر حجم نیروی جنگ‌جو تا حد زیادی افزوده شود و نیروی رزم از یک نوع، یعنی مطوعه و داوطلب، به دو نوع افزایش یابد. بدیهی است تأسیس دیوان جند یکی از ضرورت‌های مهم برای عصر فتوحات بود و نتایج بسیار مهمی نیز به همراه داشت؛ زیرا دیگر دستگاه خلافت مشکل بسیج نیرو نداشت و همواره عده‌ای که مشخص و ثابت بودند برای شرکت در جنگ، در کنار نیروهای داوطلب، وارد عمل می‌شدند. این ضرورت زمانی احراز شد که خلیفه‌ی دوم مثنی بن حارثه را بری فتح برخی از نقاط ایران اعزام داشت. او نیاز به نیروی نظامی بیشتر داشت، و بسیار کوشید نیرو بسیج کند و حتی خلیفه نیز شخصا به این کار مبادرت ورزید؛ اما نیروی کافی فراهم نشد. لذا خلیفه طی یک دستور العمل فرمان داد تا در میان قبایل بگردند و هر کس را که توان جنگیدن دارد، بسیج کنند، اگر داوطلبانه نیامدند، با اکراه و اجبار آنان را بسیج کنند. فرمان خلیفه این‌گونه بود: لا تدع من مضر و لا من ربیعه من نجدات و... (طبری، ج ۴، ص ۸۲) "در میان ربیعه و مضر و هم‌پیمانان آنان هیچ کس را که دارای شجاعت و توانایی جسمی و آشنا به سوارکاری است، رها نکنید مگر آن‌که برای جنگ بسیج سازید، اگر خود آمدند که هیچ وگرنه آنان را به اجبار به سوی من

بفرستید." نیز در جای دیگری نوشت: هیچ کس را که دارای اسب و سلاح و شجاعت یا تدبیر در جنگ است، رها نکنید مگر آن که او را به سوی من اعزام دارید. (طبری، ج ۴، ص ۸۲)

الگویی که خلیفه‌ی دوم، در این خصوص، برای آیندگان بر جای گذاشت بسیاری از معضلات و مشکلات دستگاه خلافت را برای بسیج نیروی انسانی جنگ‌جو حل کرد. دیوان جند در عصر اموی، اهمیت ویژه‌ای یافت و حتی به یکی از مهم‌ترین دیوان‌های دستگاه خلافت تبدیل شد. در آن دوران در متون تاریخی همواره از این دیوان، به نام‌های دیوان الجیش، دیوان الجند، دیوان الجیوش السلطانیه، دیوان العساکر برمی‌خوریم. (ابن خلدون، تاریخ ابن خلدون، ج ۱، ص ۳۰۲) از مشهورترین کاتبان دیوان جند می‌توان به عبدالملک بن مروان در مدینه، در عصر معاویه، اشاره نمود، همچنین عمرو بن سعید بن عاص مسئول دیوان جند بود. (طبری، ج ۲، ص ۱۷۲) وظایف دیوان جند در عهد اموی، از ثبت اسامی مقاتلان و میزان عطای آنها فراتر رفت و به فراخوان آنها برای جنگ، تهیه سلاح، حذف متخلفین، ثبت نام شهیدان، عمر مبارزان، ثبت نام و شکل چهره و قد و علامات مشخص مبارزان رسید و شرایطی برای تعیین عریف مانند قرائت قرآن، آشنایی کامل به زبان عربی، آشنایی با شعر، تسلط بر حساب و فرائض و آشنایی با مغازی پیامبر وضع گردید. (ابن عساکر، ج ۷، ص ۱۴۹) عرض سپاه، بخشی از کارهای دیوان جند در عصر اموی بود که این دیوان را دیوان حرب نامیده‌اند. در هر شهر، والی، شخصی را به عنوان عامل حرب و شخصی را به عنوان عامل خراج و شخصی را به عنوان شرطه و ... منصوب می‌کرد. قتیبه بن مسلم، والی اموی خراسان، در سال ۸۶ هجری از سپاه سان دید و ایاس بن عمرو را عامل حرب و رییس دیوان جند خود فرار داد. (طبری، ج ۳، ص ۶۷۰) رییس دیوان جند مصر نیز در عصر اموی قره بن شریک بود. (کندی، ص ۸۶) تشکیل ارتش حرفه‌ای و مزدور در دوران‌های بعد، از عناصر و ملیت‌های گوناگون، را باید از ثمرات و نتایج تأسیس این دیوان دانست.

دیوان جند، مواجب و عطایای مبارزان

استراتژی خلیفه دوم در تأمین نیروی نظامی، ایجاد نیروی دایم و همیشگی بود، که مشغله‌ای جز انجام جنگ و جهاد نداشته باشد. او می‌خواست با تأمین نیازهای مادی نیروها، برای آنان آسایش فکری و روانی فراهم سازد تا جز اشتغال به جنگ به کار دیگری چون زراعت، تجارت و غیره نپردازند. خلیفه دوم تا آنجا پیش رفت که شخصا به فرماندهان لشکر (در مناطق مختلف) دستور داد به نیروهای خود اعلام کنند که همواره عطایای آنان پا برجا و روزی خاندانشان فراهم

است، پس نباید به کار زراعت و کشاورزی پردازند. برای نمونه فردی در مصر از عمرو بن عاص اجازه خواست تا به سبب عدم کفایت عطا به کار زراعت پردازد، ولی عمرو عاص بر اساس فرمان خلیفه اجازه نداد و چون آن فرد بدون اجازه به این کار مشغول شد، خلیفه وی را احضار کرد و عذر او را پذیرفت (ابن عبد الحکم، فتوح مصر و المغرب و الاندلس، ص ۱۶۲). این امر نشان می‌دهد تا چه اندازه خلیفه نسبت به این امر حساسیت داشته که حتی اگر خبر می‌یافت کسی در سرزمینی دور از مرکز خلافت چنین کرده و اکنش نشان می‌داد. (لازم به یاد آوری است در دوران رسول خدا(ص) هرگاه مردم به جنگ فراخوانده می‌شدند، پس از پایان جنگ به امورات خود از جمله کشاورزی و تجارت و صنعت و... مشغول می‌شدند و بعد از دوران خلیفه دوم است که عده‌ای صرفاً شغل کشاورزی و یا وظیفه نظامیگری دارند.) بدیهی است ایجاد یک نیروی نظامی دایم با مواجب و عطایای مشخص و ثابت جز با یک سازماندهی منظم و روشن امکان‌پذیر نبود. علت ایجاد دیوان نیز تقسیم مناسب اموال و خراج فراوانی بود که از آن هنگام سرازیر مدینه می‌شد و تا آن زمان سابقه نداشت. پس از تأسیس دیوان که بعضی مثل طبری آنرا در ۱۵ هجری ذکر کرده‌اند (طبری، ج ۳، ص ۱۰۸؛ ابن کثیر، ج ۷، ص ۱۰۱) و اگر روایتی را که از هرمان نقل شده ملاک قرار دهیم، باید سال تأسیس آن را پس از اسارت هرمان در فتح شوشتر یعنی سال ۱۷ هجری بدانیم، (طبری، ج ۴، ص ۸۳) به دستور خلیفه برای افراد، بر اساس شرایط و عواملی، جایگاه و مراتب خاصی در دیوان قرار دادند. (بلاذری، ص ۵۴۹) در این دوران نام مسلمانان عرب بر اساس قرابت با پیامبر(ص)، نسب و قبیله و حسب و سبقت در اسلام و میزان حضور در جنگها ثبت می‌شد (ماوردی، ص ۲۰۴) «مرتزه» که نام و میزان مواجب و عطایای آنان در دیوان ثبت می‌شد، همواره موظف بودند در میدانهای نبرد آماده رزم باشند. (صابی، ص ۵)، پادشاه و مواجب سالیانه مرتزه، آنان را ملزم می‌ساخت تا هنگام نیاز در جنگ حضور یابند (طبری، ج ۴، ص ۱۶۲؛ ابن اثیر، ج ۲، ص ۲۱۲). البته در ابتدای امر پیوستن به دیوان جند به صورت اختیاری بود و حکومت جز در مواقع ضروری کسی را در پیوستن به آن اجبار نمی‌کرد (ابن سعد، ج ۴، ص ۲۲۴)، اما کم‌کم حضور در فتوح یا داشتن مسؤولیتی در امور اداری و فرماندهی، اقامت جنگجو و اسکان او در اردوگاههای شهرها، مناطق مرزی و شرکت در امر جهاد یکی از شرایط پرداخت مستمر عطا شد (طبری، ج ۶، ص ۳۱۰؛ ابن آدم، ص ۱۸۰؛ ازدی، ص ۲۵۶). کسانی که در جنگها حضور نمی‌یافتند از عطا محروم می‌گشتند و شرط پرداخت مجدد آن، حضور در جبهه‌های جنگ بود (ابن هشام، ص

۲۱۴). از قراین بر می آید که اهل دیوان باید به تناوب در مرزها و ثغور حضور می یافتند. مدت حضور آنان نیز متغیر و از قبل مشخص نبود. این امر به وضعیت امنیت در آن مناطق بستگی داشت. علاوه بر آن میزان حضور در مرزها به مسافت و فاصله مکانی نیز بستگی داشت. کسانی که محل مأموریت خویش را ترک می کردند مجازات می شدند، از جمله علاوه بر قطع عطایا، عمامه از سرشان بر می داشتند و در مسجد اسکانشان می دادند تا مردم آنان را بشناسند و عبرتی برای دیگران شود (مقریزی، ج ۱، ص ۱۷۲؛ ابن اثیر، ج ۴، ص ۱۵۸)

نتیجه گیری

با توجه به آنچه بیان شد، در مکتب و نگرش اسلام، حکومت به منزله ابزاری برای تکامل انسان است. با توجه به این که امنیت مسأله‌ی اصلی حکومت است دولت وظیفه تأمین امنیت عمومی را دارد. پیامر اسلام (ص) می کوشیدند با بیان فضیلت جهاد و وجوب آن برای مسلمانان، آنان را با رغبت برای جنگ بسیج کرده و به میدان جنگ رهسپار سازند. اما در دوران خلیفه دوم میدان نبرد بسیار وسیع و گسترده شد و از مرزهای عربستان فراتر رفت. این امر خلیفه را بر آن داشت تا به مقدار مورد نیاز، به بسیج نیرو حتی به اجبار و زور پردازد و ارتشی ثابت پدید آورد. به این افراد که تنها وظیفه آنان جنگیدن بود مرتزقون می گفتند. آنان نامشان در دیوان ثبت می شد و مواجب معینی می گرفتند و به میزان معینی باید در مناطق جنگی ماندگار می شدند. در یک جمع بندی کلی می توان نتیجه گرفت که فکر و اندیشه ایجاد نیروی نظامی ثابت و دایمی، همواره مورد توجه خلفا و شاید اصلی ترین انگیزه ایجاد دیوان نیز انسجام و سازماندهی هر چه بهتر امور نظامیان و عطایای آنان و تسهیل در تأمین نیروی رزم بوده است. دلایل و روایات متعدد ذکر شده نشان می دهد که برخلاف گفته برخی از مستشرقان از جمله اومان و گوستاو لوبون که معتقدند در تاریخ اسلام ارتشی دایمی و ثابت وجود نداشته است، باید گفت خلیفه دوم نخستین کسی است که در تحقق این اندیشه تلاشهای زیادی را مصروف داشت. و در کنار روش مرسوم حضور داوطلبان در جنگ برای اولین بار با ایجاد دیوان جند کوشید تا نیرویی ثابت فراهم سازد. او برای همه جنگجویان عطایایی در نظر گرفت تا آنان فارغ و آسوده، جز به کار جنگ به شغل دیگری نپردازند. این تلاشها در عصر اموی نیز تداوم یافت، این امر در گسترش فتوح، سرکوبی شورشهای داخلی و نیز در تأمین امنیت، نقش مؤثری داشت.

منابع و مأخذ

- قرآن کریم
- ابن آدم، یحیی القرشی (۲۰۳ ق). کتاب الخراج، صححه و شرحه احمد محمد شاکر، دار المعرفه للطباعة و النشر، بیروت (بی تا).
- ابن اثیر، عز الدین احمد ابن ابی المکارم (۶۳۰ ق). الکامل فی التاریخ، دار صادر، بیروت، ۱۹۶۵.
- ابن الفراء، محمد، الاحکام السلطانیة، دارالکتب العلمیة، بیروت، ۲۰۰۶ م.
- ابن خلدون، عبدالرحمن، مقدمه، دارالکتب المصری، بیروت، ۱۹۹۹ م.
- ابن خلدون، عبد الرحمن، العبر، دارالکتب اللبنانی، دارالکتب المصری، بیروت، ۱۹۹۹ م.
- ابن سعد، محمد بن سعد بن منیع (۱۳۰ ق). الطبقات الكبرى، دار صادر، بیروت، ۱۹۵۷ م.
- ابن سینا، ابوعلی، شفاء، ناشر ذوی القربی، قم، ۱۴۲۸ ق.
- ابن طقطقی، محمد، تاریخ فخری، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، تهران، ۱۳۶۰ ش.
- ابن عبد الحکم، ابو القاسم عبد الرحمن بن عبد الله (۲۱۴ ق). فتوح مصر و المغرب و الاندلس، تحقیق: عبد المنعم عامر، قاهره، ۱۹۱۱ م
- ابن عساکر، علی، ترجمه الامام زین العابدین، ارشاد، تهران، ۱۹۹۳ م.
- ابن کثیر، عماد الدین ابو الفداء اسماعیل (۷۷۴ ق). البدایة و النهادیة فی التاریخ، دار الکفر، بیروت، ۱۹۶ م
- ابن مسکویه، ابو علی، تجارب الامم، سروش، تهران، ۱۳۸۰ ش.
- ابن هشام، ابو محمد عبد الملك بن هشام (۲۱۳ ق). السیره النبویه (ص)، تحقیق، مصطفی السقا و دیگران، مطبعة المصطفی البابی الحلبي، قاهره، ۱۳۵۵ ق.
- ابو یوسف، یعقوب، کتاب الخراج، سلفیه، قاهره، ۱۳۵۲.
- ازدی، شیخ ابو زکریا یزید بن محمد بن ایاس بن القاسم، (۳۳۴ ق). تاریخ الموصل، تحقیق، علی حبیبی، المجلس الاعلی لشؤون الاسلامیة، قاهره، ۱۳۸۷ ق.
- المعاصیدی، الدوله العربیة الاسلامیة فی العصر الاموی، وزراء التعليم، بغداد، ۱۹۹۲ م.
- بلاذری، احمد بن یحیی بن جابر (۲۷۹ ق). فتوح البلدان، تحقیق صلاح الدین المنجد، مطبعة البیان العربی، قاهره (بی تا).

- صابی، هلال بن المحسن. رسوم دار الخلافة، تحقیق، میخائیل عواد، المطبعة البانی، بغداد، ۱۳۸۳ ق
- صبحی صالح، النظم الاسلامیه، منشورات الرضی، قم، ۱۴۱۷ ق.
- طبری، محمد بن جریر (۳۱۰ ق). تاریخ الرسل و الملوک، تحقیق محمد ابو الفضل ابراهیم، مؤسسه الاعملی للمطبوعات، بیروت، ۱۴۰۹ ق
- علی، جواد، المفصل فی تاریخ العرب قبل الاسلام، منشورات شریف الرضی، قم، ۱۳۸۰
- قدامه بن جعفر، کتاب الخراج، لیدن، ۱۸۸۹ م.
- کتانی، عبدالحی، نظام اداری مسلمانان صدر اسلام، ترجمه قراگزلو، ۱۳۸۴.
- کندی، محمد، الولاه کتاب القضاء، مطبعه الیسوعیین، بیروت، ۱۹۰۸ م.
- ماوردی، ابو الحسن علی بن محمد بن حبیب (۴۵۰ ق). الاحکام السلطانیة و الولايات الدینیة، دار الکتب العلمیة، بیروت، ۱۴۰۵ ق
- محمدی، محمد، تاریخ و فرهنگ ایران، طوس، تهران، ۱۳۷۹ ش.
- محمدی، محمد، فرهنگ ایران پیش از اسلام، طوس، تهران، ۱۳۷۴ ش.
- مسعودی، ابوالحسن، التنبیه والاشراف، دارالعبادی للنشر، قاهره (بی تا)
- مقریزی، احمد بن علی بن عبدالقادر، الخطط المقریزیه، مکتبه مدبولی، قاهره، ۱۹۹۸ م.
- مقریزی، تقی الدین احمد بن علی (۸۴۵ ق). المواعظ و الاعتبار بذكر الخطط و الآثار، معروف به الخطط المقریزیه، مطبعة بولاق، قاهره ۱۸۵۳ م.
- یعقوبی، احمد، البلدان، دارصادر، بیروت، افست بریل، ج ۱۸۹

